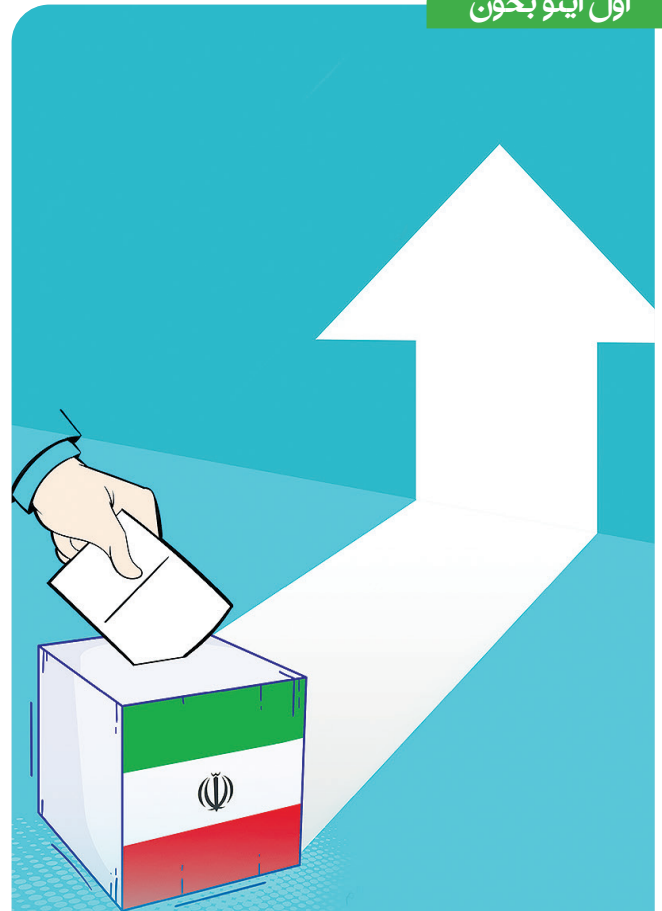


اول اینو بخون



راه دیگری وجود ندارد

این روزها که کم‌کم در حال نزدیک شدن به ۱۱ اسفند هستیم، شاید خیلی از ما از خودمان بپرسیم چرا باید رفت پای صندوق رای و در انتخابات شرکت کرد! فایده اش چیست!

برخلاف تبلیغات ناکامان سیاسی گذشته و حال سیاست ایران، آنچه در جهان امروز به عنوان کنش سیاسی موثر مورد پذیرش است؛ بهره‌گیری از حق انتخاب است نه پرهیز از آن. کناره نشستن و نظاره کردن به امید تنبیه مسوول ناکارآمد و نظام سیاسی، گزاره امتحان شده‌ای است که از آزمون‌های مختلف در نقاط متنوع جهان سربلند بیرون نیامده است اما حضور هدفمند و انتخابی درست در بسیاری از مواقع راه اصلی در بیره‌های پیشنه‌ای این روزها خواهد بود.

بسیاری از گروه‌ها و افرادی که مردم را تشویق به عدم حضور در پای صندوق‌های رای می‌کنند، راه دیگری برای رهایی از شرایط دشوار ارائه نمی‌دهند؛ اینکه در مسیر اصلاح، شرایط آلترناتیو رای چیست؟

پاسخی از سوی آن‌ها ندارد. از منظر آن‌ها صرف رای ندادن برای اصلاح شرایط کافی است اما تجربه واقعیت دیگری را نشان می‌دهد و آن کاهش اهمیت رای مردم در صورت عدم مشارکت است. رای ندادن مساوی است با بی‌صدا شدن و بدون سهم ماندن در وضعیت و آینده کشور. اگر خودمان تصمیم نگیریم و آنچه می‌خواهیم را انتخاب نکنیم! دیگران به جای ما و برای ما تصمیم می‌گیرند!

دوکلام حرف حساب

من فرزند خلف عامل موساد بودم!



«من آموخته‌ام که نسل‌کشی را تشخیص دهم، من می‌دیدم که بدن‌های برهنه را چگونه آماده شکنجه و مرگ می‌کنند! من می‌دانستم گور دسته‌جمعی چه بوی تعفنی دارد! من می‌دانم که نفرت و گرسنگی چگونه لرزه بر بدن‌ها می‌اندازد.

پاکسازی نژادی که نسل‌هایی از انسان‌ها را شهید می‌کند و منطق برتری قوم یهود را حفظ می‌کند. تصویرهای سیاه و سفید که می‌دیدیم حالا رنگی شده‌اند! داستان‌ها زنده شده‌اند و در این دوران دیگر نیازی به کوره‌های آدم‌پزی نیست؛ زیرا اکنون بمب‌های ساخت آمریکا وجود دارند.» این سخنرانی یکی از سربازان پیشین ارتش رژیم اشغالگر است که حالا دشمن این رژیم است و به تازگی کتابی را علیه این رژیم نوشته است. وی یکی از کسانی است که در تجمعات ضد صهیونیست در کالیفرنیا آمریکا شرکت کرده است. در ادامه بخشی از مصاحبه او را با یک برنامه تلویزیونی می‌خوانید؛

– متالیانیو چرا تصمیم گرفتی به پا خیزی و صدای اعتراضت را بلند کنی؟ وقتی در ارتش اسرائیل خدمت می‌کردی، چه کاری می‌کردی که قلبت را تا این حد منقلب کرده است؟

– من در یک خانواده تندرو صهیونیست پرورش یافتم که البته در اسرائیل بسیار شایع است. قهرمانان جنگی بسیاری در خانواده من بودند. فرماندهان نیروی هوایی و فرماندهان چند تیپ از خانواده من بود. برخی از نزدیکان من از عوامل موساد هستند.

من به عنوان یک دختر خلف پدرم به نیروی هوایی پیوستم و پس از شش ماه خدمت، محل خدمتم از تل‌آویو به جنوب منتقل شد.

این اتفاق در سال ۲۰۰۲ روی داد. وظیفه من هم این بود که به جنگنده‌هایی که به غزه حمله می‌کردند، سوخت‌رسانی کنیم تا آنجا را بمباران کنند.

آن روزها دل و جگرش را نداشتم تا بدانم آنجا چه اتفاقی دارد می‌افتد، ولی هنگامی که از پایگاه بازگشتم، وحشت‌زدگی من آغاز شد و دیگر نمی‌توانستم وارد پایگاه شوم. روز بعد پس از آنکه حاضر نشدم کار نظامی انجام بدهم، منتظر ماندم تا مرا به دادگاه نظامی ببرند! سه هفته آنجا بازداشت شدم تا آنجا که متوجه شدم باید ارتش را ترک کنم! من حتی می‌خواستم خودکشی کنم، چون خلاف بسیاری از چیزهایی که آموخته بودم، باید عمل می‌کردم. اینجا بود که فرآیند شست‌وشوی مغزی و تزریق افکار شروع شد.

من تصمیم گرفتم با نوشتن یک کتاب زمینه این را فراهم کنم که اسرائیل به شکل مسالمت‌آمیز و بدون خشونت نابود و فلسطین آزاد شود.

بن بست وجود ندارد!

حاج قاسم باور داشت که بن‌بستی وجود ندارد. در برابر هر مشکلی آنقدر سرسختی می‌کرد تا راهی برای آن مشکل پیدا شود. در آن شرایط عجیب که حتی بشار اسد هم خودش را باخته بود، دمشق را نجات داد؛ اسیر شرایط نشد و از دل بحران‌ها، فرصت‌ها را ایجاد کرد. در زمان شروع بحران سوریه، شهر حمص یکی از آن شهرهایی بود که مشکلات بسیاری داشت و خود سوری‌ها به آن شهر نمی‌رفتند.

حاج قاسم یک شخصیت استثنایی بود. اوایل بحران سوریه، داشت روی نقشه توضیحاتی را می‌داد که گفت: «من به حمص رفتم.» اول هیچ کس باور نکرد، اما او توضیح داد که چه کاری کرده و افسران سوری را راهنمایی کرده است. برای آزادسازی حلب هم نقشه‌ای که داشت، موفقیت‌آمیز بود و می‌گفت آن طرفی‌ها برنامه دارند که حلب را بگیرند و آن را پایتخت موقت معرفی کنند و بعد هم همه دنیا آنها را به رسمیت بشناسند. اما او این اجازه را نداد و با کمک سوری‌ها حلب آزاد شد.

انسان مسلمانی که هم کشور و نظام سیاسی سوریه را از خطر سقوط نجات داد و هم دردمندان برای رهاسازی دختران فرقه ایزدی عراق وارد میدان شد. هم فتح‌الفتوح پدید آورد و هم از اینکه در حین عملیات ناگزیر از خانه مخروبه یک شهروند سوری استفاده کرد، از صاحب آن عذرخواهی کرد و هم با شجاعت به دل دشمن زد و بارها در حلقه محاصره قرار گرفت و به تعبیر رهبر معظم انقلاب سه بار تا مرز شهادت رفت.

حق با سلیمانی است! اگر مثل او فکر کنی، مثل او رفتار کنی و مثل او تلاش کنی، هیچ بن‌بستی وجود ندارد....



محور وحدت

اینکه سلیمانی شهید دستاوردهای مهم بسیاری داشت، اینکه داعش و تجزیه‌طلب و تروریست و سران آمریکا و تل‌آویو از او واهمه داشتند! اینکه در دفاع مقدس مدیون رشادت‌های او هستیم، همه درست؛ اما فراتر از اینها، آنچه حاج قاسم را متفاوت می‌کرد و منشأ برکت در دل‌ها بود؛ دقیقاً خلاف آنچه دشمن می‌خواهد!

دشمن ایران را پر از اختلاف و دودستگی می‌خواست و می‌خواهد! اما سلیمانی کانون جمع مردم و وحدت آحاد جامعه شد. دوقطبی‌سازی‌های اجتماعی و سیاسی، انشقاق در ائتلاف گوناگون ملت و ایجاد اختلاف و بدبینی داخلی از جمله خطوط همیشگی دشمنان بوده است. برای نمونه دشمن در ماجراهای ۸۸



اگر حاج قاسم سلاح به دست نمی‌گرفت..

ناقوس جنگ که به صدا درآمد، قاسم سلیمانی، جوان کرمانی شاغل در اداره آب کرمان تصمیمش را گرفت، با شغلش خداحافظی کرد و به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و راهی جبهه‌های ایستادگی علیه دیکتاتوری شد که به خاک ایران حمله کرده بود. صدام آمده بود که ایران را اشغال کند؛ اما نمی‌دانست جوانان ایرانی، سربازان روح‌الله هستند و در برابر ارتش تا دندان مسلح او خواهند ایستاد و سر این دیو هفت سر را خواهند زد....

حاج قاسم در نامه‌ای به فرزندانش می‌نویسد: «هرگز نمی‌خواستم نظامی شوم... من اگر سلاح به دست گرفته‌ام برای ایستادن در مقابل آدم‌کشان است نه برای آدم

داشت... از مبارزه‌اش با داعش تا عمل و رفتارش در میان سیاسیون تا حتی شهادتش!

یکی از ثمرات و برکات شهادت حاج قاسم سلیمانی وحدت حداکثری ملت ایران بود؛ چراکه حاج قاسم سلیمانی فرزند رشید و مجاهد ایثارگری بود که رهاورد جهاد شبانه‌روزی‌اش عزت و امنیت برای ایران و همه ملت بود: «این وحدتی که خوشبختانه در زیر تابوت پیکر مطهر شهید سلیمانی و شهدای همراه ایشان در بین مردم دیده شد باید محفوظ بشود، محفوظ بماند.»

اما دشمن امروز هم با بازی‌های عجیب و واژه‌سازی‌ها و بهانه‌های گوناگون از حادثه کرمان تا حادثه هوپیمای اوکراینی می‌خواهد به این وحدت به هر حيله و مکرى که شده، خدشه وارد کند....

از قول من بگو سلیمانی فقط سرباز است

بر سنگ مزار من بنویسید: «سرباز قاسم سلیمانی!» این درخواست شهید سپهبد سلیمانی است، او که بالاترین درجه‌های نظامی و مهم‌ترین نشان‌های افتخار بر سینه او می‌درخشید، از اینکه خواسته است روی سنگ مزارش فقط کلمه سرباز را بنویسند، نباید به سادگی از کنارش گذشت. او اگر می‌گوید روی مزار من بنویسید سرباز، برای نمایش و بازارگرمی نیست. او در عمل و کف زندگی ثابت کرد که نه دنبال پست است و نه دنبال مقام و شهرت است؛ در یک مورد و در شرایطی که همه نظرسنجی‌ها هم نشان می‌داد به راحتی او می‌تواند با رأی مردم به ریاست جمهوری ایران برسد، اما آن را نپذیرفت. حجت‌الاسلام علی شیرازی تعریف می‌کند:

«موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری داغ شده بود. مردم با نامه‌نگاری یا در فضای مجازی، از سردار سلیمانی درخواست می‌کردند کاندیدای ریاست‌جمهوری شود. خیلی‌ها هم از گوشه‌وکنار با من تماس می‌گرفتند و نظر حاج‌قاسم را جویا می‌شدند. رفتم پیشش و گفتم: «خیلی از مردم مایلند کاندیدای ریاست‌جمهوری شوی ...» نگذاشت حرفم تمام شود و گفت: «تو که نظر مرا می‌دانی!» گفتم: «خودم مخالفم، اما پیام مردم را می‌دهم. می‌خواهم از زبان خودت بشنوم.» گفت: «هر کس پرسید، از قول من بگو سلیمانی فقط یک سرباز است، نه چیز دیگر!» گفتم: «اگر رهبر انقلاب آقا به این اقدام باشند، چی؟» با همان لبخند همیشگی گفت: «اگر حضرت آقا به من تکلیف کنند کاندیدای ریاست‌جمهوری شوم، می‌روم پیش ایشان آنقدر گریه می‌کنم تا تکلیف را بردارند!»

یکی از دوستان هم اخیراً برایم بازگو کرد که از بیت رهبری می‌آمدیم بیرون، به سردار سلیمانی گفتم، بیا کاندیدای ریاست‌جمهوری بشو، گفت این را که می‌گویم، به مردم بگو. بگو «من کاندیدای شهادتم، کاندیدای گلوله‌ام، نه کاندیدای ریاست‌جمهوری.»

فراتر از همه اینها، او لباس سربازی ایران، لباس سربازی مردم را برترین لباس و درجه و جایگاه می‌دانست... .

خنجر پشت لبخند!

سردار حاج‌قاسم سلیمانی شخصیت برجسته دیپلماسی جهادی در میدان مقاومت بود. دیپلماسی جهادی مکمل دیپلماسی سیاسی دولت است؛ نه‌تنها مکمل بلکه در مواقعی محرک و مشوق اصلی دیپلماسی عمومی کشور است. این نوع دیپلماسی برگرفته از اندیشه‌ها و تفکرات برآمده از انقلاب اسلامی و مکتب انقلابی است و با محوریت مردم و جوامع مظلوم شکل می‌گیرد و بر مبنای آن حرکت می‌کند.

«محمدحسین صفار هرندی» از نقش حاج قاسم در سیاست خارجی می‌گوید: شهید سلیمانی دائم به دستگاه دیپلماسی رزق می‌رساند و دست آنها را پر می‌کرد. در یکی از مذاکرات، کسانی که بیرون جلسه بودند نقل می‌کنند، صدای داد و فریاد آقای ظریف و کری را از بیرون ما می‌شنیدیم که صدای‌شان روی همدیگر بلند شده بود. یک جایی آقای ظریف به کری یک جمله طلایی می‌گوید. در واقع دارد جواب شبهات امروز را می‌دهد. می‌گوید: «آقای کری! تو حواست هست که گوشت شما در این منطقه زیر دندان ماست؟!» کری به او می‌گوید: «داری قدرت و نفوذتان در منطقه را به رخ من می‌کشی!» یعنی آنجایی که می‌خواستیم در مقابل طرفی که زیر بار حرف حق نمی‌رود از منطق استوار استفاده کنیم، این منطق را به رخش می‌کشیم. آقای ظریف می‌گوید: «می‌فهمی که ما اینجا در این منطقه زورمان می‌چرید؟!» این زور را نیروی قدس فراهم آورد و دستگاه دیپلماسی را یاری کرد تا آنها بتوانند پای میز مذاکره آن را نقد کنند.

دیپلماسی منهای قدرت میدان، فقط حرف است. حرف، ارزش مبنایی ندارد. آنچه به حرف ارزش می‌بخشد، پشتوانه قدرت او در میدان عمل است؛ یعنی همه مجاهدت‌ها، همه خون دل خوردن‌ها و خون دادن‌ها باعث می‌شود که مسئولان دیپلماسی کشور وقتی دارند حرف می‌زنند، حرف‌شان معتبر باشد.

سیاستمداران می‌گویند یک تهدید زمانی معتبر می‌شود که پشتوانه داشته باشد؛ وگرنه هر کسی می‌تواند تهدید کند. افزون بر این، یکی از هنرهای حاج قاسم این بود که یک جاهایی در مقام یک دیپلمات آستین بالا زد، در صحنه آمد و ظاهر شد و همه هم قبول دارند. بسیاری از دیپلمات‌ها هم قبول دارند که ایشان نقش‌آفرینی از نوع دیپلماتیک هم داشته است؛ از جمله آقای رئیس‌جمهور هم به این اشاره کردند.

در محیط دیپلماتیک معروف است، همیشه وقتی با یک دیپلمات روبه‌رو می‌شوی، پشت لبخندی که او می‌زند، باید خنجر آخته‌ای را هم ببینی.



تجلیل از ۲۱ سرباز نمونه



شانزدهمین جشنواره حضرت علی اکبر (ع) و تجلیل از سربازان نمونه در سپاه حضرت قمر بنی هاشم (ع) برگزار و از ۲۱ سرباز نمونه تجلیل شد.

علی افصلی جانشین فرماندهی سپاه حضرت قمر بنی هاشم (ع) در حاشیه این مراسم گفت: این جشنواره با شعار محوری «سرباز جوان، عزت میهن، نشاط اجتماعی» برگزار شد.

وی افزود: دوران خدمت مقدس سربازی فرصتی خوب و اثرگذار برای جوانان است که خود را آماده ورود به زندگی و عرصه اجتماع کنند.

افصلی از برنامه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی سپاه برای ظرفیت عظیم نیروهای جوان سرباز خبر داد و عنوان کرد: امروز به جرأت می‌توانیم اعلام کنیم که یکی از بی‌نظیرترین امنیت‌های موجود در سراسر کشور و مرزهای جمهوری اسلامی به جهت زحمات نیروهای وظیفه است. وی ادامه داد: یکی از ظرفیت‌های نیروهای وظیفه، تبدیل تهدیدات به فرصت‌های بی‌نظیر است. گفتنی است در این جشنواره از ۲۱ سرباز نمونه در زمینه‌های وظیفه‌شناسی، امور فرهنگی، هنری و تبلیغات، خلاقیت، ابتکار و فن‌آوری ورزشی و تربیت بدنی، دین‌داری و بصیرت، مسئولیت‌پذیری و خانواده، سازندگی و تفکر بسیج، کارورزی و اشتغال‌پذیری تجلیل شد.

جایزه

مسابقه داریم

مسابقه مسابقه!

به زودی برای شما خوانندگان گرامی، مسابقه همراه با جوایز نفیس داریم. منتظر اعلام جزئیات بیشتر باشید و تا اون موقع، سرباز رو به دقت بخونید.



مسابقه جوان
گاهنامه

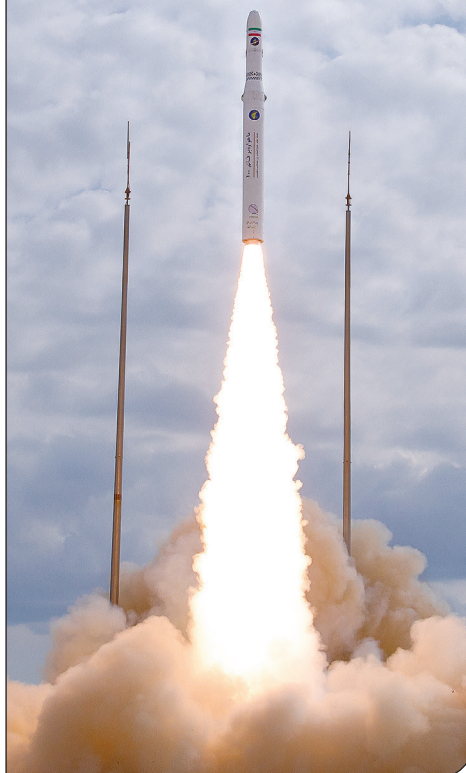
نشریه سرباز انقلابی
سال اول، شماره ۸ و ۹
هفته آخر دی ۱۴۰۲
معاونت سیاسی
نماینده ولی فقیه در سپاه
@ssweekly

۵+۱

از بین حدود ۱۹۰ کشوری که عضو سازمان ملل متحد هستند در کل حدود ۹۰ کشور در فضا، ماهواره دارند که از این ۹۰ کشور، ۵۸ کشور سازنده ماهواره هستند و بقیه کشورها، ماهواره‌های خود را از این ۵۸ کشور تأمین می‌کنند.

در حوزه ماهواره‌ها بر تنها تعداد معدودی از کشورها یعنی ۱۲ کشور توانمندی طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره‌ها را دارند که از این تعداد، چند کشور از جمله روسیه، آمریکا، چین، ژاپن و... خدمات پرتاب ماهواره‌های سایر کشورها را برعهده دارند. باید توجه داشت صنعت فضایی، صنعت بسیار مهم و راهبردی است و در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰ شرکت در سطح دنیا با گردش مالی بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار در سال، مشغول فعالیت در حوزه فضا است. پیش‌بینی‌های انجام‌شده حاکی از رشد بیش از ۶۰ درصدی گردش مالی در هفت سال آینده است (گردش ۶۴۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۳۰).

علاوه بر بحث ماهواره‌ها و ماهواره‌ها، کپسول‌های فضایی و توانایی پرتاب موجودات زنده و انسان به فضا هم توانایی بسیار مهم و کلیدی هستند و به عنوان قله علم و تکنولوژی دنیا محسوب می‌شود. از میان کشورهای صاحب چرخه فضایی تاکنون ۶ کشور موفق به پرتاب موجودات زنده به فضا شده‌اند و تنها ۳ کشور توانسته‌اند به قله علم و فناوری یعنی توانایی ارسال انسان به فضا دست پیدا کنند و علاوه بر تربیت و پرتاب فضانوردان خود نمایندگان سایر کشورها را هم به فضا بفرستند. ایران در میان ۱۲ کشور دارای چرخه کامل ساخت تا پرتاب ماهواره و ششمین کشور موفق در پرتاب موجود زنده به فضا است.



مهارت آموزی ۶۰۰ هزار نفری



سردار موسی کمالی مشاور عالی فرمانده قرارگاه مرکزی مهارت آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح در پاسخ به سوالی مبنی بر جزئیات تفاهم نامه قرارگاه با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای اظهار کرد: تفاهم نامه استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و آموزشگاه‌های آزاد برای آموزش سربازان مابین قرارگاه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به امضا رسید.

وی درباره هدف و جزئیات این تفاهم نامه افزود: اشتغال یکی از دغدغه‌های مهم نظام، خانواده‌ها و جوانان هست و داشتن توانمندی و مهارت یکی از الزامات رسیدن به اشتغال است و مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا همواره بر توانمندسازی جوانان در طول مدت سربازی تاکید داشته‌اند.

وی با بیان اینکه نیروهای مسلح از سال ۱۳۹۶ برای کمک به امر توانمندسازی، مهارت آموزی و اشتغال‌پذیری جوانان سرباز ورود کرده‌اند گفت: نیروهای مسلح بخشی از امکانات خود را پای کار آورده و با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط تحقق شعار هر سرباز حداقل یک مهارت تخصصی و چند مهارت عمومی شغلی را دنبال می‌کند.

سردار کمالی بیان کرد: ما با ۲۶ دستگاه متولی تفاهم نامه امضا کرده‌ایم و یکی از سازمان‌های اصلی متولی توانمندسازی جوانان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور است.

مشاور عالی فرمانده قرارگاه مرکزی مهارت آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح بیان کرد: این سازمان توانسته تاکنون برای آموزش ۶۰۰ هزار سرباز برنامه‌ریزی کند که فقط در ۱۰ ماه گذشته سال جاری ۱۵۳ هزار نفر آموزش مهارتی فنی و حرفه‌ای را طی کرده‌اند.

وی با بیان اینکه آموزشگاه‌های آزاد ظرفیت بسیار خوبی دارند و حدود ۲۱ هزار آموزشگاه فنی و حرفه‌ای آزاد با حدود ۴۰ هزار مربی در کشور فعال است گفت: برای پیوستن این آموزشگاه‌ها به نهضت مهارت آموزی سربازان متمم تفاهم نامه همکاری بین قرارگاه مرکزی مهارت آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای امضا شد.